



مبانی فقهی مسئولیت مدنی پزشک

جعفر ارجمند دانش

استادیار، فقه و حقوق، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)

arjomand.danesh@gmail.com

چکیده

به جهت ذات و طبیعت علم پزشکی، تقصیر پزشک و عدم توفیق او در درمان تضرر بیماران محتمل است. لزوم جبران ضرر و حمایت از بیماران و نیز امنیت شغلی پزشکان، بررسی مبانی فقهی مسئولیت مدنی پزشک را ضروری می نماید.

فقه‌های امامیه اجماعاً پزشک را در موارد، عدم حذاقت علمی و عملی، و تقصیر او و اقدامات درمانی او بدون اذن بیمار (بجز حالت اضطرار)، مصداق اتلاف و تعدی و تفریط محسوب کرده و ضامن می دانند.

برخی از فقها با استناد به اذن بیمار و اذن شرع و قاعده احسان، پزشک حاذق ماذن غیر مقصر را ضامن نمی دانند. ولی مشهور فقهای امامیه، جز در اخذ براءت از بیمار و اضطرار، مستند به قواعد اتلاف، لاضرر، غرور و برخی روایات، اعتقاد به ضمان مطلق پزشک دارند.

در بحث تقصیر پزشک، چون اثبات آن مشکل است، از میان دیدگاه‌های دوگانه امامیه، ضمان مطلق پزشک (بجز حالت اضطرار و اخذ براءت)، در کنار جبران ضرر از بیت المال در موارد احسان و اضطرار و بیمه مسئولیت مدنی، می تواند موجب رعایت حقوق بیمار و پزشک گردد. این مقاله به روش تحلیلی توصیفی نگارش شده است.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، پزشک، تقصیر، اذن، براءت.



مقدمه

حرفه پزشکی به دلیل تماس مستقیم با مردم و با اصلی ترین نیاز آن ها یعنی «سلامتی» میثاقی محکم با رعایت حقوق بیماران از حیث اخلاقی، شرعی و قانونی دارد. و فلسفه و هدف علم طب، دست یافتن به علمی است که بتواند با نهایت رفق و مدارا و به عبارت دیگر با کمترین تهاجم و تخریب و ضرر به بدن، سلامت انسان را تامین نماید. (تابعی، ۱۳۸۳، ۲۳)

بین فقه اهل سنت و فقیه شیعه در مورد ضمانت پزشک تفاوت مهمی وجود دارد. از نظر فقه اهل سنت، زمانی ضامن درمان نیست که از سوی بیمار یا ولی او اذن گرفته باشد و تقصیری در درمان نداشته باشد. (شافعی، ۱۴۰۳، ۱۹۰) اما از نظر مشهور فقهای امامیه، پزشک، نه تنهای در خطای ناشی از تقصیر، حتی در غیر تقصیر هم ضامن درمان می باشد. و تنها در موردی ضامن نیست که علاوه بر نهایت احتیاط و اجتهاد علمی و عملی، از بیمار یا ولی او اخذ برائت نموده باشد، یا شرط عدم ضمان نماید. (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۴۲، ۴۴ تا ۴۸)

حال با توجه به هدف و نیت پزشک که انجام کاری خوب می باشد و از نظر شرعی در برخی موارد وجوب شرعی امر طبابت دارا است، اما طی معالجه امکان اشتباه و ضرر به بیمار وجود دارد. و از دیدگاه فقهاء نباید ضرری بدون جبران باقی بماند. و مشهور فقهاء در جمع حق پزشک و حق بیمار، اعتقاد به تقدّم حق بیمار به صورت مطلق شده اند، حتی در زمانی که مرتکب تقصیر نشده باشد. و فقط با اخذ برائت حکم به عدم مسئولیت مدنی یا عدم ضمان او داده اند. که این امر بی انگیزگی پزشکان و عسر و حرج آنها و در نتیجه اختلال در امر درمان و معالجه بیماران و ضایع شدن حق پزشک و بیمار بدنبال خواهد داشت.

۱. ضمان مطلق پزشک و مبانی آن

طبق نظرات فقهای متقدم و متاخر، علاوه بر ادعای اجماع نسبت به ضمان پزشک غیر حاذق، پزشک غیر ماذون پزشک حاذق ماذون مقصر (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۴۲، ۴۴)، ضامن بودن پزشک حاذق ماذون غیر مقصر، حکمی مشهور میان فقها می باشد و حتی ادعای اجماع در این زمینه شده است. به برخی از این نظرات اشاره می گردد:

شیخ مفید در المقنعه (ابن نعمان، ۱۴۰۱، ج ۷۳۵)، شیخ طوسی در نهاییه (طوسی، بی تا، ۷۳۴)، معالجه با روش های مرسوم که عادتاً درمان را باعث می شود، اما باعث مرگ بیمار گردد، مصداق قتل شبه عمد می دانند. محقق حلی در شرایع، (حلی، ۱۴۰۹، ج ۱۰۱۹)، علامه حلی در قواعد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۵۱)، شهید اول در لمعه (مکی عاملی، ۱۳۷۳، ۲۷۳) و ... ، با آوردن قیود ماذون، حاذق، ماهر و محتاط، حکم به ضمان چنین پزشکی داده اند.

در میان فقهای معاصر، سید یزدی در عروه الوثقی (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ۶۷)، خوئی در مبانی تکلمه المنهاج (موسوی خوئی، ۱۴۲۲، ۲۷۳) و امام خمینی در تحریر الوسیله (موسوی خمینی، ۱۳۹۹، ۶۸۹) حکم به ضمان چنین طبیبی داده اند.

۱-۱. مبانی ضمان

۱-۱-۱. قاعده اتلاف

براساس قاعده اتلاف و تعمیم آن نسبت به جسم و جان انسان، چون اقدامات درمانی پزشک باعث اتلاف مریض شده است و تلف عضو و نفس بیمار مستند به فعل او است و اذن بیمار نسبت به معالجه بوده و ماذون در اتلاف نبوده است و قصد و نیت هم در تحقق اتلاف نقشی ندارد. پس پزشک ضامن تلف خواهد بود. (حسینی مراغه ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۳۴- البجعی عاملی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ۱۰۸- نجفی اصفهانی، ۱۳۹۸، ج ۴۲، ۳۲۴- موسوی خویی، ۱۴۲۲، ۱۴۵- موسوی بجنوردی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۲۵)

۱-۱-۲. قاعده لاضرر

مفاد قاعده لاضرر، جبران نشده است و در اسلام ضرر غیر متدارک و جبران نشده وجود ندارد. تدارک ضرر از لوازم این نفی است



و شارع با این حکم افراد را را ملزم به جبران ضرر نموده است. (نراقی، ۱۴۰۱ق، ۱۸) پس، هر ضرری که به بیمار می رسد باید جبران شود، حتی اگر پزشک به وظیفه خود عمل کرده باشد.

۱-۱-۳. قاعده غرور

هرگاه مریض به پزشک اعتماد می کند و از حرف او اطمینان حاصل می گردد و به دستورات او عمل می نماید، ضرر و زیانی حاصل گردد، مریض، مغرور به سخن و عمل پزشک می گردد و پزشک غار ضامن خواهد بود. (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ۱۸۸)

۱-۱-۴. قاعده هدر نرفتن خون مسلمان

براساس قاعده «لا یطل دم مسلم»، نباید خون مسلمان پایمال گردد و جهت حفظ حرمت خون مسلمان باید پزشک را ضامن اقدامات خود بدانیم. (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۲۷، ۳۲۴)

۱-۱-۵. روایات دال بر ضمان پزشک

روایت سکونی از امام صادق (ع) که از حضرت علی نقل فرموده اند: «هر کس به کار طبابت انسان یا حیوان دست می زند باید از ولی (و صاحب حیوان) براثت بگیرد، در غیر این صورت ضامن است. (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۷، ۳۶۴) مهمترین روایتی است که فقهاء به واسطه اطلاق آن، حکم به ضمان طبیب (حاذق ماذون غیر) مقصر داده اند. (نجفی، ۱۳۹۸ق، ج ۲۷، ۳۲۳) البته روایات متعدد دیگری در این زمینه وجود دارند.

۱-۱-۶. روایات دال بر ضمان اجیر

در باب اجاره، در بحث ضمان اجیر فقهاء پزشک را یکی از مصادیق اجیر عنوان کرده اند و با استناد به روایات ضمان اجیر، پزشک را هم ضامن دانسته اند. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ۲۵۳- نجفی، ۱۳۹۸، ج ۲۷، ۳۲۴)

۱-۱-۷. اجماع

فقهایی مانند ابن زهره و محقق حلی با بیانی مطلق (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷، ۴۰۲) و صاحب ریاض به صراحت (طباطبایی، ۱۴۲۲، ۱۹۸) مدعی اجماع و عدم خلاف در ضامن بودن پزشک شده اند. البته هر کدام از این ادله هفتگانه شروح مبسوطی دارند که به جهت محدودیت صفحات مقاله از بیان آنها خودداری می گردد.

بحث و نتیجه گیری

در بین فقهای امامیه در ضمان پزشک غیر حاذق و غیر ماذون و حاذق مقصر، اختلاف نظری وجود ندارد. اما در ضمان پزشک حاذق ماذون غیر مقصر بین فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. از نظر مشهور فقهاء، این پزشک در صورت عدم اخذ براثت از بیمار ضامن است و مهم ترین دلایل ضمان پزشک عبارت بودند از: قواعد اتلاف و لاضرر و غرور و هدر نرفتن خون مسلمان، و روایات دال بر ضمان طبیب و اجیر، که روایت سکونی مهم ترین و معتبرترین آنها بود و همچنین اجماع. اساس استدلال نظر مشهور این است که چون نباید ضرری بدون جبران باقی بماند و این جبران باید توسط عاملی صورت بگیرد که ضرر و تلف به او عرفاً مستند می شود و در مورد پزشک غیر مقصر تا وقتی که با بیمار شرط عدم ضمان نکند و از او براثت نگیرد، ضرر حاصله به پزشک منتسب می گردد و در انتساب هم تقصیر شرط نیست، پس پزشک ضامن است و اذن بیمار و شرع فقط جواز تصرف در بدن بیمار را می دهد نه اتلاف و ضرر به بدن بیمار.



اما شرط عدم ضمان پزشک باعث می گردد که عسر و حرجی برای پزشکان پیش نیاید و چون برای اخذ برائت نص وجود دارد، فلذا ادعای اسقاط مالم یجب در این خصوص مسموع نخواهد بود. مضافاً بر این که بیمه مسئولیت مدنی پزشکان در این خصوص عملاً راه گشای جامعه پزشکی خواهد بود.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، نشر جامعه مدرسین.
۲. ابن زهره الحلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷ ق)، غنیه النزوع، قم، موسسه امام صادق.
۳. ابن نعمان، ابو عبد الله محمد (۱۴۰۱ ق)، المقنعه، تهران، نشر اسلامی.
۴. تابعی، ضیا الدین (۱۳۸۳ ش)، طبیبانه ای برای طبیبان، شیراز، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
۵. الجبعی عاملی، زین الدین (۱۳۹۰ ق)، الروضه البهیة، تهران، نشر اسلامی.
۶. حسینی مراغه ای، میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ ق)، عناوین، قم، نشر اسلامی.
۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ ق)، قواعد الاحکام، تهران، نشر اسلامی.
۸. حلّی، جعفر، بن الحسن (۱۴۰۹ ق)، شرایع الاسلام، تهران، نشر اسلامی.
۹. خوانساری، احمد (۱۳۵۵ ش)، جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۰. شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۰۳ ق)، الام، بیروت، دارالفکر.
۱۱. طباطبایی، سید علی (۱۴۲۲ ق)، ریاض المسائل، تهران، نشر اسلامی.
۱۲. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۳۷۰ ش)، العروه الوثقی، قم، اسماعیلیان.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، النهایه فی المجرّد والفتاوی، قم، اسماعیلیان.
۱۴. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (۱۳۷۳ ش)، اللعه دمشقیه، قم، دارالفکر.
۱۵. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۶۵ ش)، القواعد الفقهیه، تهران، مکتبه الصدر.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۹ ق)، تحریر الوسیله، تهران، نشر اسلامی.
۱۷. موسوی خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق)، مبانی تکلمه المنهاج، قم، موسسه احیاء آثار خوئی.
۱۸. نجفی اصفهانی، محمد حسن (۱۳۹۸ ق)، جواهر الکلام، قم، مکتبه الاسلامیه.
۱۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۰۱ ق)، عواید الایام، تهران، نشر اسلامی.



Jurisprudential Foundations of the Civil Responsibility of the Doctor

Jafar Arjomand Danesh

Assistant Professor, Jurisprudence & Law, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran
(Corresponding Author)
arjomand.danesh@gmail.com

Abstract

Due to the essence and nature of medical science, the fault of the doctor and his failure to treat the harm of the patients is possible. The need to compensate the loss and support the patients as well as the job security of the doctors makes it necessary to examine the jurisprudential foundations of the civil responsibility of the doctor.

Imamiyyah jurists unanimously consider the doctor as an example of waste and transgression in cases of lack of scientific and practical wisdom, and his fault and his treatment measures without the patient's permission (except in case of emergency).

Some jurists, citing the patient's permission and Sharia's permission and the rule of benevolence, do not consider the innocent doctor as a guarantor. But the famous jurists of the Imamiyyah believe in the absolute guarantee of the doctor, except in cases of acquittal from the patient and emergencies, based on the rules of waste, harmlessness, pride and some traditions.

In the discussion of doctor's fault, since it is difficult to prove it, from among the dual views of Imamia, the absolute guarantee of the doctor (except in the case of emergency and acquittal), along with the compensation of losses from the treasury in cases of kindness and emergency and civil liability insurance, can cause Respect the rights of the patient and the doctor. This article is written in descriptive analytical method.

Key words: Civil Liability, Doctor, Fault, Permission, Acquittal.